

نظری بر بیانیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان (اکثریت)

۱۲ سنبله ۱۳۹۲

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در رابطه با استفاده از سلاح شیمیائی در حومه دمشق بیانیه ای تحت عنوان «کاربرد سلاح شیمیایی در سوریه را محکوم می کنیم!»^(۱)، صادر کرده، که تفاوت‌های فاحشی با واقعیت جنگ استعماری- تروریستی علیه سوریه و موضعگیری کشورهای مختلف پیرامون آن دارد. به همین سبب، سعی می‌کنم این بیانیه را بروش طرح سؤال در مقابل نویسندگان آن و توضیحات و پاسخ خود، مورد نقد و بررسی قرار دهم.

اولین و مهمترین سؤالی که آقایان هیئت سیاسی - اجرائی سازمان اکثریت باید پاسخ آن را بدهند این است، که آیا بیانیه آنها به اسناد، مدارک و شواهدی غیر از داده‌ها و گزارشات ناتوی رسانه ای مبتنی است یا نه؟ اگر آری، چرا اخبار و گزارشات ناتوی رسانه ای را تحریف کرده‌اند؟ و اگر نه، باید منابع و اسناد بیانیه خود را مشروط بر اینکه جزو اسناد سری سازمانی شان طبقه بندی نکرده باشند، علنی و اعلام کنند!

سوال بعدی و ماتبعی سؤال اول این است که بر اساس کدام اخبار، اسناد و شواهد، جنگ استعماری- تروریستی طراحی شده از سالها قبل و بمدیریت و فرماندهی غرب امپریالیستی و دست نشانندگان منطقه آن را «جنگ داخل سوریه» تعریف و تلقی میکنید؟ در همین رابطه، برای راحتی خیال آقایان هیئت سیاسی- اجرائی سازمان «اکثریت»، ذکر این نکته باریکتر از مو لازم بنظر میرسد، که ماهیت جنگها با اهداف، آمران و عاملان آنها تعیین و تعریف میشود نه با تابعیت سربازان. در رابطه با جنگ «برخی از دولتهای غربی» بر علیه تردید زیادی وجود ندارد، که از آن مستعمره سازی مجدد سوریه، آمر آن دولت مخفی صهیونیستی و مجری آن دولتهای امپریالیستی بسرپرستی امپریالیسم آمریکا میباشد. بنابر این، **اولا-** آیا شما هیچوقت از اخبار و گزارشات رسانه‌ها (ناتوئی یا مستقل)، اظهارات، بیانات و موضعگیریهای مقامات رسمی دولتهای امپریالیستی را نشنیده اید، که برای تعلیم و تربیت تروریستها و آدمخواران، اردوگاههای آموزش امور جنگی در کشورهای مختلف، از جمله در ترکیه، لیبی، قطر، عربستان، اردن و برخی کشورهای دیگر ایجاد نموده و اعلام کرده‌اند، بودجه «شورشیان سوریه» (باندهای تروریستی)

را تأمین کرده، ادوات و تجهیزات جنگی، لجستیکی، وسایل ارتباطی و غیره در اختیار آنها میگذارند؟ ثانیاً- آیا واقعا هیچ خبر و اطلاعی ندارند که بر خلاف رقم ۵ - ۶ هزار نفر مزدور خارجی که ناتوی رسانه عمدا و آگاهانه اعلام میکند، بگفته رسانه ها و منابع مستقل، بیش از ۸۰ هزار نفر مزدور از کشورهای مختلف، از جمله، از کشورهای عربستان، اردن، قطر، مخصوصا لیبی، ترکیه، روسیه، همه کشورهای اروپائی، پاکستان، افغانستان و غیره با دریافت دلارهای نفی عربستان سعودی و قطر، و با تجهیزات و ادوات جنگی امپریالیستهای آمریکا و اروپا و اسرائیل و بفرماندهی آنها برعلیه دولت، ارتش و خلقهای سوریه می جنگند؟

در رابطه با استفاده از سلاح شیمیائی برعلیه شهروندان سوریه، در بیانیه هیئت سیاسی- اجرائی سازمان «اکثریت» گفته میشود: «صرفنظر از اینکه کدام طرف بحران خونین سوریه (چرا کدام طرف بحران، نه کدام طرف جنگ استعماری) **مسئول این اقدام باشد...**». آقایان! شما که به همین راحتی و با یک چرخش ساده قلم، جنگ استعماری- تروریستی علیه کشور و مردم سوریه را «**جنگ داخلی سوریه**» یا «**بحران سوریه**» تعریف میکنید، چگونه نمی توانید تشخیص بدهید «**کدام طرف بحران**» مسئول این اقدام است؟ بنظر شما یک آدم بیطرف این فرمولبندی شما را چگونه باید معنی کند؟ آیا این بیان مبهم و سفسطه گرانه، صرفا برای «خالی نبودن عریضه» و گریز از مسئولیت نیست؟

در رابطه با تسلیحات شیمیائی سوریه، تصور نمیکنم آقایان عضو هیئت سیاسی- اجرائی سازمان (اکثریت) اطلاع نداشته باشند، که بعد از تسلیح اسرائیل به سلاحهای اتمی توسط «برخی کشورهای غربی»، دولت سوریه بمنظور بازدارندگی و تأمین امنیت مردم و کشور، اجبارا به ساخت تسلیحات شیمیائی خود اقدام کرد نه برای استفاده محدود از آن در حومه دمشق آنها در دست آستانه ورود بازرسان شیمیائی سازمان ملل بعد از تأخیر نزدیک به شش ماهه (از ماه مارس تا ماه اوت).

در بخش دیگری از همین بیانیه آمده است: «**نیروهای افراطی "حفظ امنیت سوریه را مهمتر از امنیت خوزستان" تلقی کرده و حمله نظامی به آن کشور را خط قرمز جمهوری اسلامی دانسته و از واکنش نسبت به هرگونه حمله صحبت می کنند...**».

آقایان! منظور شما از این فرمولبندی هر چه باشد، اما واقعیت آن عبارت از این است که: **اولا-** ماهیت و جوهر اصلی این فرمولبندی همان شعار ضد انسانی و ضد اخلاقی «**نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران**» است که در جریان «**انقلاب**» نافرجام «**سبز**» سال ۱۳۸۸ در ایران، پیروان و طرفداران سیاستهای استعماری امپریالیسم در میان معترضین ساده لوح ایرانی شایع و رایج

کردند. **ثانیا-** بنظر شما، چرا «آمریکا و متحدان او» از حق مداخله در امور داخلی سوریه، آموزش باندهای تروریستی و تأمین تسلیحات و تجهیزات جنگی آنها و همچنین اعزام آنها به جنگ مردم و ارتش سوریه برخوردارند، ولی ایران حق دفاع از کشور ستمدیده ندارد؟ چرا آمریکا حق دارد «استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه» را «خط قرمز» خود تلقی نماید، ولی، ایران نباید حمله استعمارگران غربی به کشور مستقل سوریه و خلقهای آن را بعنوان «خط قرمز» خود تعیین کند؟ آیا اقدام «برخی دولتهای غربی و عربی» (؟) ماجراجویانه تر است، یا حمایت ایران از دولت قانونی سوریه و دفاع از موازین و مقررات بین المللی؟ صرفنظر از هر پاسخ احتمالی هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت به این پرسشها، این ادعای آنها هیچ مفهوم دیگری غیر از برسمیت شناختن و تأیید تام و تمام «حق قوی» ندارد.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان (اکثریت) در بیانیه خود «سری هم به صحرای کربلا زده» و «حل مسئله بحران هسته ای ایران» را پیش کشیده است. سؤال جالب توجه این است: آیا این آقایان واقعا هم باور دارند برنامه هسته ای ایران موجب نگرانی غرب است و ایران باید با «اعتمادسازی و شفاف سازی» این مسئله را حل کند؟

اگر آقایان بر این باور باشند، باید فاتحه همه حقیقت را خواند و عین حال از این آقایان پرسید: چرا زرادخانه هسته ای کشورهای امپریالیستی، بویژه، آمریکا، اولین و آخرین کشور استفاده کننده از بمب هسته ای علیه بشریت، که تسلیحات اتمی خود را حتی در بسیاری از کشورهای غیرهسته ای، از جمله، در ترکیه، ایتالیا، بخش بزرگی از سرزمین فلسطین (اسرائیل) مستقر کرده، موجب نگرانی ایران و «جامعه جهانی» نیست؟ اما، عجیب است که برنامه هسته ای ایران موجب نگرانی «برخی کشورهای غربی» شده است! وانگهی، اگر هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت راست میگوید، که برنامه هسته ای ایران و یا مثلا فقدان دموکراسی ناتوئی- امپریالیستی و عدم رعایت حقوق بشر کذائی در ایران باعث اعمال تحریمها علیه خلقهای کشور ما شده، ناچارند به این سؤال هم پاسخ دهند که: کشور یونان چه مشکلی با آمریکا و «متحدان او» داشت که اقتصاد این کشور را به ورطه ورشکستگی کامل کشاندند؟ اسپانیا را چرا؟ ایتالیا، پرتغال، ایرلند و... چه؟ نه آقایان، جای این حرفهای مفت و تحلیلهای آبکی نیست. اگر حرف حسابی دارید، بزنید و اگر نه، خموشی طلاست.

بیانیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر چه به بندهای پایانی خود نزدیکتر میشود، محتوای مغرضانه خود را باز هم واضحتر میسازد. این آقایان نوشته اند: «ما از دولت ایران می خواهیم که در صورت حمله نظامی امریکا و متحدین او به سوریه، به خواست نیروهای افراطی برای کشاندن پای کشور به این جنگ تن ندهد،

اقدامات آن‌ها را مهار کند و برای مجامع بین‌المللی مشخص کند که مواضع دولت ایران تنها از جانب سخنگوی آن اعلام می‌شود و مواضع نیروهای افراطی از اعتبار برخوردار نیست...». نویسندگان این جملات باید پاسخ صریح این پرسشها را بدهند: ۱- اگر در جلو چشم آنها آمریکا و متحدین او (بجای او، ضمیر آن صحیح است) نه تنها سوریه، بلکه، هر کشور مفروض دیگر را بمباران بکنند، زیرساخت‌هایش را ویران و نابود سازند، مایملکش را به تاراج ببرند، به قتلعام خلقهایش دست بزنند و ...، آیا میتوان تحت پوشش کلمه مذموم «افراطی» و همچنین، تحت بهانه «به خواست نیروهای افراطی برای کشاندن پای کشور به این جنگ تن ندهد...»، اعلام بیطرفی کرد؟ ۲- مفهوم چنین خواسته‌ائی، صرفنظر از هر جنبه‌اش، فقط بلحاظ اخلاقی ضد انسانی نیست؟ ۳- آیا اتخاذ موضع بیطرفی در جنگ «قوی و ضعیف» از نظر اصول منطق، حمایت از «قوی» نیست؟ ۴- چرا این آقایان در این بیانیه یک خواهش خشک و خالی از «آمریکا و متحدان او» نکرده‌اند به سوریه حمله نکنند؟

گذشت از موارد مذکور، «شاه بیت» بیانیه آقایان اکثریتی چنین است: «حمایت نظامی و سیاسی حکومت دمشق توسط جمهوری اسلامی و روسیه از یک سو، و کمک برخی کشورهای عربی (؟) در کنار برخی از دولت‌های غرب (؟) به گروه‌های افراطی مخالف اسد از سوی دیگر، به قربانی شدن بیش از صد هزار تن از مردم سوریه و آوارگی صدها هزار سوری انجامیده است...». آیا معنی این فرمولبندی آقایان این نیست، که در وهله نخست، «حمایت نظامی و سیاسی حکومت دمشق توسط جمهوری اسلامی و روسیه» و در وهله بعدی، «کمک برخی کشورهای عربی در کنار برخی از دولت‌های غرب به گروه‌های افراطی مخالف اسد» باعث «قربانی شدن بیش از صد هزار تن از مردم سوریه و آوارگی صدها هزار سوری» گردیده است؟ آیا این بدان معنی نیست که ایران، روسیه و چین، اصولاً نباید مانع از آن میشدند که «آمریکا و متحدان او» فجایع هولناک افغانستان، عراق، سومالی، یوگسلاوی، لیبی و... را در سوریه تکرار میکردند؟

این جملات آقایان اکثریتی: «اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد از احتمال دخالت نظامی غرب در سوریه بکاهد، باید به جای دمیدن بر آتش جنگ سوریه، دولت اسد را برای مذاکره با همه گروه‌های مخالف تحت فشار بگذارد و در این راستا از نفوذ خود بر حکومت دمشق بهره‌گیرد...»، دیگر یک «شاهکار بانگ خروس نشنیده» است. به این ترتیب، آقایان سعی کرده‌اند این شائبه را به افکار مخاطبانشان القاء کنند، که انگار این دولت «دولت اسد» است که از «مذاکره با همه گروه‌های مخالف» امتناع میکند، نه «آمریکا و

متحدان او»، از جمله، شیوخ عهد دقیانوسی عربستان، قطر و نخست وزیر صهیونیست ترکیه. شگفت آور است! نه؟ اگر آقایان بگفته خود واقعا باور دارند، **اولا-** باید ادعای خود را بر سند و مدرک، یا حداقل به شواهد مبتنی سازند و بیگناهی غرب در دخالت احتمالی نظامی غرب در سوریه را به اثبات برسانند. **ثانیا-** باید «همه گروههای مخالف» مورد نظر خود را معرفی کنند. گروههای مورد نظر آقایان کدامند؟ «ارتش آزاد سوریه» که نه ارتش است و نه آزاد یا اخوان المسلمین، تکفیری ها، سلفی ها، وهابیون، جبهة النصره و القاعده، ساخته های اتاقهای فکر دولتهای امپریالیستی و تحت فرمان سازمانهای امنیتی «برخی دولتهای غربی»؟ **ثالثا-** باید بپذیرند، که در این چنین مواردی، هر حرف و سخنی باید مستند و مستدل باشد. داستان «سنگ مفت، گنجک مفت» در این قضیه صدق نمیکند. در اینجا حرافی و بازی با الفاظ جایی از اعراب ندارد. **رابعا-** شگفت آور است آقایان هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت این اخبار ناتوی رسانه ای را فراموش کرده اند، که در طول دو سال و نیم گذشته جنگ «برخی دولتهای غربی و عربی» علیه سوریه، بارها اتفاق افتاده که میانجی های سازمان ملل متحد در امور سوریه (قبلا، کوفی عنان و در حال حاضر، اخضر ابراهیمی) بمناسبتهای مختلف (برخی ماهها و اعیاد مقدس دینی)، پیشنهاد آتش بس، حتی موقت داده اند، اما در مقابل پاسخ مثبت دولت سوریه، قبل از هر کسی، باراک اوباما، دیوید کامرون، فرانسوا اولاند (این «سوسیالیست» همفکر هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت، که در عرصه دروغگویی و جنایتکاری روی گوبلز و هیتلر را سفید کرده)، رجب طیب اردوغان و شیوخ نفتی عربستان و قطر، این فرماندهان پیش صحنه و «بازهای» پیش قراول جنگهای تروریستی- استعماری، بلافاصله اعلام کرده اند، «آتش بس بی آتش! عنقریب است که اسد سرنگون شود». با وجود انبوه اخبار و گزارشات در تأیید واقعیت فوق، ادعای واهی و ضدمیهنی «دمیدن (ایران) بر آتش جنگ سوریه» و خواست اعمال «فشار به دولت اسد برای مذاکره با همه گروه های مخالف» چه مفهومی جز تف کردن به چهره حقیقت، به مردمک چشمان این بزرگترین مظلوم تاریخ بشر میتواند داشته باشند؟ علاوه بر اینها، هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت که چنین مدعای موهنی را مطرح میکند، لازم است پاسخ روشن این پرسش ساده را بدهد: چه کسانی یا دولتهای از اجرای مفاد توافقات کنفرانس «ژنو ۱» دایر بر ادامه مذاکرات برای حل و فصل جنگ علیه سوریه سر باز زدند و چه کسانی یا دولتهائی برگزاری کنفرانس «ژنو ۲» تا کنون سنگ اندازی کرده و حتی مخالف برگزاری آن هستند؟

سیاست مشابه همین «رهبری» سازمان اکثریت در قبال واقعه جنون آمیز اشغال و ویرانی لیبی و کشتار مردم و رهبری آن، این مرفه ترین کشور و مردم جهان، که آثار دوره چهل ساله استقلال آن در **کتاب رکوردهای گینس** ثبت گردیده، بدان منتج شد، که همین هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت، پیروزی ناتو و کشورهای دوره پارینه سنگی حوزه خلیج فارس بر کشور و مردم لیبی را «انقلاب» نامید و بمناسبت آن، به «مردم لیبی»، بسخن دقیق تر، به سران ناتو، سازمان تروریستی القاعده، شیوخ نفتی قطر، عربستان و همپالگی هایشان «پیام شادباش»^(۲) فرستاد. و این در حالی اتفاق افتاد، که «رهبری» سازمان اکثریت پاسخ این سؤالات را تا کنون روشن نکرده، که چه شناخت و تحلیل مشخصی از لیبی داشت؟ آیا عواقب و پیامدهای هجوم تروریستهای ناتو و تروریسم بین الملل به لیبی و اشغال استعماری این کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است یا نه؟ اگر نه، چرا؟ و اگر آری، چرا در سطح جامعه اعلام نمیکند؟

آقایان هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت! از شما میپرسم: پس کو آثار «بمباران اعتراضات مسالمت آمیز مردم توسط جنگنده های دولت وقت لیبی»؟ کجاست دمکراسی و آزادی اهدائی غرب به مردم لیبی؟ «تسلیمات کشتار جمعی عراق» که نمونه آن را **کولین پاول** در شورای امنیت سازمان ملل متحد نشان داد، کو؟ آیا میدانید که دولت تروریستی و دست نشانده ناتو در لیبی نه فقط امنیت کشور، حتی امنیت خودش را هم نمیتواند تأمین کند؟ آیا از این واقعیت تلخ اطلاع دارید که در حال حاضر **بیش از ۵۶۰ گروه و دسته مسلح** برای گرفتن حق السهم بیشتر از بقایای ثروت لیبی با هم میجنگند؟

آقایان «رهبران» سازمان اکثریت! آیا پاسخ این پرسشها را میتوانید بدهید، که تمامی موجودی طلا و جواهرات خزانه دولتی لیبی، ذخیره ارزی و موزه های آن چگونه مصادره شد و به یغما رفت؟ آیا خبر دارید که چه نهادی بر صادرات نفت و گاز لیبی نظارت میکند و بهای آنها چگونه پرداخت میشود یا نه؟... اگر آری به کدام ارگان یا نهاد لیبی؟

بالاخره، در پایان از هیئت سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت مصرانه میخواهم پوشش عناوین مبهم «**برخی کشورهای عربی، برخی از دولتهای غرب و گروههای افراطی مخالف اسد**» را کنار بزند تا «سیه روی شود هر که در او غش باشد».

برغم همه اینها، تردید زیادی وجود دارد، که آقایان واقعا «اکثریتی» (اکثریت در مقابل کدام اقلیت) پاسخ هیچ یک از سؤالات را نخواهند داد. چرا که امیدواری به پیروزی خرد و عقلانیت در میان رهبری این سازمان بسیار بیش از آنچه که گمان میرود، بعید و دور از انتظار است.

و سرانجام، از همه دوستان صلح و امنیت جهانی، مبارزان راه آزادی، استقلال و مصونیت همه خلقها و کشورهای جهان از شرّ امپریالیسم جهانی تقاضا میکنم برای دادن پاسخ روشن به پرسشهای فوق، هیئت سیاسی - اجرائی سازمان اکثریت را زیر فشار قرار دهند و همچنین، در صورت علاقمندی، با بیان نقطه نظرات خود، مرا نیز در راه جستجوی حقیقت یاری دهند.

(1)- <http://kar-online.com/node/6791>

(2)- <http://www.kar-online.com/wp/21960>